

انتخابی که مسیر جهانبخش را کاملاً عوض کرد
چه خبر از کاپیتان تیم ملی؟!



مهدی مرسلی

علیرضا جهانبخش، زمانی نماد ثبات و اعتماد در فوتبال ایران بود؛ بازیکنی که مسیر حرفه‌ای‌اش، دست‌کم روی کاغذ، همیشه با منطق جلو رفت اما حالا، هر چه به جام جهانی ۲۰۲۶ نزدیک‌تر می‌شویم، این تصویر شفاف‌تر از همیشه ترک برمی‌دارد. کاپیتان اول تیم ملی، در باشگاهش نه می‌درخشد، نه تأثیر می‌گذارد و نه حتی جایگاه ثابت دارد. حضور او در دندر بلژیک، بیش از آنکه یک فرصت تازه باشد، به فصلی خاکستری در کارنامه‌اش تبدیل شده؛ فصلی که پرسش اصلی‌اش ساده اما تلخ است: آیا جهانبخش بهای یک انتخاب اشتباه را می‌پردازد؟

تابستان برای جهانبخش، فصل پلاتکلیفی بود. بازیکنی که قراردادش تمام شده بود، تیم نداشت اما در اردوهای تیم ملی حضور پیدا می‌کرد؛ حضوری که خیلی زود به سوژه انتقاد تبدیل شد. اینکه کاپیتان تیم ملی بدون باشگاه، همچنان یکی از مهره‌های ثابت فهرست دعوت‌شدگان است، برای بسیاری قابل هضم نبود. با این حال، امیر قلعه‌نویی همچنان به او سادۀ داشت و علاقه‌اش به سبک بازی جهانبخش را پنهان نمی‌کرد.

در آن مقطع، گزینه‌ها کم نبودند. پیشنهاد از لیگ ایران، پیشنهاد مالی قابل توجه از الوحدۀ امارات و برخی تماس‌ها از دیگر تیم‌های آسیایی اما جهانبخش تصمیم گرفت اروپا را رها نکند؛ تصمیمی که شاید از نگاه شخصی قابل احترام بود اما از منظر حرفه‌ای، پرریسک. لیگ هلند که سال‌ها خانه امن او بود، دیگر پیشنهادی درخور نداشت و کاپیتان تیم ملی ناچار شد نگاهش را به لیگ‌های سطح پایین‌تر بدوزد.

در نهایت، انتخاب به دندر ختم شد؛ فقرنشین ژوپریتر بلژیک، با دغدغه‌بفا و نه ساختن، انتخابی عجیب برای بازیکنی که هدفش «دقایق بازی بیشتر» در سال منتهی به جام‌جهانی عنوان می‌شد. روی کاغذ، این انتقال می‌توانست منطقی باشد؛ تیم ضعیف‌تر، رقابت کمتر و شناس حضور بیشتر در ترکیب اما فوتبال، همیشه مطابق فرمول‌های ساده پیش نمی‌رود.

■ نیمکت به جای نقش اول

واقعیت دندر، خیلی زود خودش را نشان داد. جهانبخش از زمان پیوستن به این تیم، در ۱۱ مسابقه در فهرست قرار گرفت و در ۱۰ بازی به میدان رفت اما خروجی؟ صفر گل، صفر پاس گل؛ آماری که برای یک وینگر باتجربه و کاپیتان یک تیم ملی، چیزی جز هشدار نیست. او فقط در ۳ مسابقه در ترکیب اصلی حضور داشت؛ ۲ بازی در جام حذفی و یک بازی در لیگ. در سایر دیدارها، نقش او به بازیکن جانشین تقلیل یافت.

۳ بازی اخیر دندر، خلاصه‌ای گویا از وضعیت جهانبخش است: ورود در وقت‌های تلف‌شده پس از دقیقه ۹۰ مقابل میشلن و آنتورپ و ۹۰ دقیقه نیمکت‌نشینی کامل برابر آندرلخت، رکوردی منفی که نشان می‌دهد او حتی در تیمی بحران‌زده هم به گزینه‌ای تعیین‌کننده تبدیل نشده است.

■ آمارهایی که نگران‌کننده است

جهانبخش در مجموع ۳۵۳ دقیقه برای دندر بازی کرده؛ یعنی میانگین ۳۲ دقیقه در هر مسابقه. این عدد، برای بازیکنی که با هدف «آمدگی کامل برای جام جهانی» به بلژیک رفته بود، بیشتر شبیه زنگ خطر است تا نشانه پیشرفت. مهم‌تر از زمان بازی، نبود هرگونه اثرگذاری است. جهانبخش نه به‌عنوان بازیکن فیکس و نه به‌عنوان یار تعویضی، نتوانسته جریان بازی را تغییر دهد یا گرهی از کار تیمش باز کند.

ایمن وضعیت زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که شرایط خود دندر را در نظر بگیریم. تیمی که با ۱۷ امتیاز از ۲۲ بازی در رتبه شانزدهم جدول ۱۶ تیمی قرار دارد و فاصله‌اش با منطقه امن به ۸ امتیاز رسیده است. سقوط، سناریویی کاملاً محتمل است و جهانبخش، ناخواسته در مسیری قرار گرفته که می‌تواند فصلش را با یک ناکامی کامل به پایان برساند.

■ تبعات یک تصمیم

همه اینها، فقط یک مساله باشگاهی نیست. هر چه باشد، جهانبخش کاپیتان اول تیم ملی است. بازیکنی که باید الگو باشد، نه دنبال پروژه احیا. ادامه این روند، قطعاً برای کادر فنی تیم ملی خبر خوشی نیست. بازیکنی که در باشگاهش نیمکت‌نشین است و رتبه مسابقه ندارد، چطور می‌تواند در سطح ملی نقش محوری ایفا کند؟

جهانبخش هنوز تجربه، هوش فوتبالی و نام بزرگی دارد اما فوتبال بی‌رحم‌تر از آن است که با خاطره زندگی کند. اگر این انتخاب به تغییر مسیر منجر نشود، اگر دقایق بازی و اثرگذاری برنگردد، این فصل بلژیکی می‌تواند به یکی از تاریک‌ترین مقاطع دوران حرفه‌ای او تبدیل شود.

سایه سقوط، فقط روی دندر نیست؛ روی آینده فوتبال علیرضا جهانبخش هم افتاده است. حالا زمان، مهم‌ترین رقیب اوست.

به‌بهانه تقابل حساس و سرنوشت‌ساز پرسپولیس در اهواز مقابل فولاد

لقمه گلوگیر



■ وقت دست بردن در ترکیب

در میانه میدان هم نام مارکو باکیچ دوباره جدی شده است. هافبکی که بعد از یک دوره دوری، در بازی با سپاهان دقایقی به میدان آمد و نمایش قابل قبولی داشت. فیکس شدن او می‌تواند به‌استحکام خط میانی کمک کند؛ جایی که پرسپولیس در برخی بازی‌ها ضربه خورده است. جانشینی احتمالی باکیچ به‌جای میلاد سرک، یکی از تصمیم‌های کلیدی اوسمار در اهواز خواهد بود. ■ نیمکت؛ جایی برای رونمایی؟

در کنار این تغییرات، نگاه‌ها به نیمکت هم دوخته شده. فرزین معامله‌گری، یکی دیگر از خریدهای زمستانی، اگرچه احتمالاً از ابتدا بازی را شروع نمی‌کند اما می‌تواند یکی از گزینه‌های جدی تغییر روند مسابقه باشد. حضور چنین بازیکنانی به اوسمار امکان می‌دهد در طول بازی، بسته به شرایط، دست به تغییرات تاکتیکی بزند.

در نهایت، اهواز برای پرسپولیس فقط یک سفر نیست؛ یک آزمون است. آزمون انتخاب، آزمون مدیریت فشار و آزمون ثبات. تیمی که سودای قهرمانی دارد، باید در چنین زمین‌هایی امتیاز بگیرد، حتی اگر بازی زیبا نباشد. حالا همه چیز به تصمیم‌های اوسمار ویرا گره خورده؛ تصمیم‌هایی که می‌تواند پرسپولیس را در صدر نگه دارد یا دوباره وارد چرخه تردید کند.

یکی از چالش‌های اصلی سرمربی برزیلی، چینش ترکیب است. پرسپولیس در هفته‌های اخیر، اغلب با ترکیبی بازی کرده که حاصل اجبار بوده نه انتخاب. کمبود بازیکن در بعضی پست‌ها، مصدومیت‌ها و ناآمدگی برخی مهره‌ها، دست اوسمار را بسته بود. حال‌اا شرایط فرق کرده است. به جز ایگور سرگی یف محروم و محمد عمری مصدوم، تقریباً همه نفرات در دسترس هستند؛ خبری که هم امیدوارکننده است و هم دردسرساز. داشتن گزینه‌های بیشتر، یعنی تصمیم سخت‌تر. آیا باید به ترکیب برنده دست زد یا همان نفراتی را به میدان فرستاد که مقابل سپاهان جواب دادند؟ این همان دوراهی کلاسیک مربیان است؛ وفاداری به نتیجه یا جسارت در تغییر.

■ «گر» و «مارکو»؛ ۲ برگ تازه

ورود دنیل گرا به لیست بازیکنان آماده، معادلات خط دفاع را تغییر داده است. مدافع مجارستانی که برای ترمیم سمت راست دفاع جذب شد، در تمرینات نشانه‌هایی از آمادگی نشان داده و با توجه به افت یعقوب برارجه، بعید نیست اوسمار خیلی زود دست به ریسک بزند و از گرا در ترکیب اصلی استفاده کند. این تصمیم می‌تواند هم یک تقویت فنی باشد و هم پیاپی به سایر بازیکنان؛ جایگاه‌تان ثابت نیست.

نیست. بحران نتیجه، جایگاه نامطمئن در جدول و تغییرات روی نیمکت، این تیم را به یکی از چهره‌های متزلزل لیگ تبدیل کرده است. با این حال، حضور حمید مطهری روی نیمکت فولاد، بازی را از یک مسابقه عادی خارج می‌کند. مطهری پرسپولیس را می‌شناسد؛ از فضای رختکن گرفته تا حساسیت بازی‌های بزرگ. همین شناخت می‌تواند فولاد را حتی در بدترین شرایط، به حریفی سمج تبدیل کند.

در طرف مقابل، اوسمار ویرا به دنبال تثبیت جایگاه خود است. آمار او از زمان حضور روی نیمکت پرسپولیس، بد به نظر نمی‌رسد: ۶ برد، یک تساوی و یک شکست اما جدول لیگ جایی برای دل‌خوشی به گذشته ندارد.

■ فرصت اشتباه‌نداری!

اهمیت این بازی دقیقاً همین‌جاست. پرسپولیس نه‌تنها برای حفظ صدر، بلکه برای ارسال پیام قدرت به رقیبا، نیازمند امتیاز اهواز است. برد مقابل سپاهان زمانی معنا پیدا می‌کند که با یک نتیجه مطمئن در بازی بعد همراه شود. در غیر این صورت، آن پیروزی هم به‌سرعت رنگ می‌یازد. اوسمار این را می‌داند و به همین دلیل، نگاهش به این مسابقه چیزی فراتر از یک بازی خارج از خانه است.



بهرادرشوند

پرسپولیس بعد از عبور از یکی از پیچ‌های مهم فصل برابر سپاهان، حالا به مسیری رسیده که هر قدم لغزش می‌تواند تمام دستاوردهایش را زیر سؤال ببرد. برد در هوای برقی تهران مقابل سپاهان، فقط ۳ امتیاز نداشت؛ اعلام موجودیتی بود از تیمی که هنوز می‌خواهد در کورس بماند و برای قهرمانی بجنگد اما لیگ برتر عادت دارد خیلی زود تیم‌ها را از آسمان امید به زمین واقعیت برگرداند و حالا نوبت اهواز است؛ جایی که فولاد، با همه مشکلاتش، می‌تواند برای صدرنشین دردسرساز شود. اوسمار ویرا خوب می‌داند صدر جدول، جای ماندن نیست اگر لغزش کنی. پرسپولیس در آستانه ورود به مقطع تعیین‌کننده فصل قرار دارد؛ ۱۳ هفته‌ای که هر امتیازش حکم طلا دارد. تیمی که نیم‌فصل دوم را با یک شکست غیرمنتظره مقابل فجر شهیدسپاسی آغاز کرد و سپس با برتری روحیه‌بخش برابر سپاهان دوباره جان گرفت، حالا باید نشان دهد این نوسان، یک اتفاق مقطعی بوده نه نشانه‌ای از بی‌ثباتی.

■ اهواز؛ زمین امتحان مربی

فولاد خوزستان دیگر آن تیم مدعی فصل‌های گذشته



داربوش مجلل

هرچه زمان جلوتر می‌رود، فاصله یاسین سلمانی با آن تصویری که روزی از او ساخته شده بود، بیشتر می‌شود؛ فاصله‌ای تلخ میان «استعداد آینده‌دار» و «بازیکن کنار گذاشته‌شده». فوتبالیستی که با بازیوند کاپیتانی تیم‌لی امید و کاپیتانی سپاهان در سن پایین، با امید و هیجان به پرسپولیس آمد، حالا به نقطه‌ای رسیده که حتی نامش هم در فهرست بازی‌ها دیده نمی‌شود. سکو، مقصد نهایی او تا پایان فصل است؛ تصمیمی که بیش از آنکه فنی باشد، بوی یک پایان پرخاشیه می‌دهد.

پرسپولیس تابستان پیش از لیگ بیست‌وسوم، سلمانی را به‌عنوان یک خرید مهم معرفی کرد؛ بازیکنی که در سپاهان، نشانه‌هایی از رشد و بلوغ فنی را نشان داده بود و می‌توانست یکی از چهره‌های نسل تازه فوتبال ایران



امیررکنی

اندونزی، این‌بار فقط میزبان یک تورنمنت نیست؛ ایستگاهی است برای سنجش دوباره جایگاه فوتبال ایران در قاره‌ای که سال‌ها زیر سایه‌نامش نفس کشیده است. تیم ملی فوتبال ایران با ۱۳ قهرمانی، نه‌فقط پرافتخارترین تیم آسیا، بلکه معیاری است برای سنجش قدرت دیگران. حالا در آستانه جام ملت‌های فوتبال آسیا ۲۰۲۶، پرسش اصلی این نیست که ایران مدعی است یا نه؛ پرسش این است: آیا این تیم هنوز همان فاصله سنتی را با رقیبا حفظ کرده یا باید آماده جنگی فرسایشی‌تر از همیشه باشد. شاگردان وحید شمسایی با ترکیبی باه اندونزی می‌گذارند که هم تجربه و هم نشانه‌هایی از پویاننداری در خود دارد. این تیم، تلفیقی است از بازیکنانی که سال‌ها در چنین میدان‌هایی آزموده شده‌اند و جوان‌هایی که قرار است بار آینده را به دوش بکشند. شمسایی خوب می‌داند قهرمانی بهراند هم، دیگر باتکیه صرف بر نام و سابقه به دست نمی‌آید؛ فوتبال آسیا بزرگ‌تر، جسورتر و بی‌پروا تر شده است.

ایران در مرحله گروهی با مالزی، عربستان و افغانستان روبه‌رو می‌شود؛ گروهی که روی کاغذ ساده به نظر می‌رسد

سرنوشت مبهم یک استعداد فراموش‌شده

سقوط یاسین سلمانی

با روی کار آمدن اوسمار ویرا، شرایط تغییر نکرد. ۳ بازی، تنها ۱۳ دقیقه حضور؛ آماری که به‌وضوح نشان می‌دهد وی عملاً از چرخه فنی تیم خارج شده است. جمع کل حضور او در ۲.۵ فصل، به عدد ناامیدکننده ۵۹۸ دقیقه می‌رسد؛ عددی که برای بازیکنی با آن همه انتظار، یک جاعه کامل است.

ماجرا اما به مسائل فنی ختم نشد. در پنجره زمستانی، چراغ سبز برای جدایی قرضی یاسین روشن شد؛ فرصتی برای نجات یک مسیر رو به خاموشی. مقصد احتمالی، مس رفسنجان بود. حضور در تمرین و حتی یک بازی تدارکاتی اما همه چیز بدون هماهنگی رسمی. مصدومیت دوباره در همین رفت‌وآمدها، آخرین میخ را بر تابوت این انتقال زد و واکنش تند باشگاه را به‌دنبال داشت.

موضع باشگاه پرسپولیس حالا کاملاً شفاف است. پیمان حدادی صراحتاً اعلام کرده حضور یاسین سلمانی در پرسپولیس به پایان رسیده و مسائل انضباطی، او را تا آخر

آغاز مأموریتی تازه برای تیم ملی ایران؛ سلطان بلامنازع فوتسال قاره

به‌دنبال چهاردهمین جام



اصلی این تیم بوده‌اند، حالا در آستانه خداحافظی تدریجی با بالاترین سطح قرار دارند. در چنین شرایطی، مسؤولیت کاپیتان و مهره‌های باسابقه فقط بازی کردن نیست؛ آنها باید مسیر را برای نسل بعد هموار کنند. در کنار باتجربه‌ها، جوان‌هایی قرار است در فضایی واقعی‌تر از اردو و بازی دوستانه، محک بخورند. ترکیب تیم ملی نشان می‌دهد شمسایی به توازن فکر کرده؛ نه دل سپردن کامل به گذشته و نه قمار تمام‌عيار روی آینده. بیشتر بازیکنان تجربه حضور در این رقابت‌ها را دارند و همین،

سرمایه‌ای است که در لحظات بحرانی به کار می‌آید. فوتسال، بازی جزئیات است؛ یک اشتباه کوچک، یک غفلت مختصر، می‌تواند تمام مسیر را عوض کند.

اما مسیر قهرمانی، فقط از گره‌عبور نمی‌کند. مدعیان واقعی، در مراحل حریفی صف می‌کشند؛ ژاین با انضباط همیشگی، تایلند با سرعت و تکنیک و ازبکستان که هر سال یک قدم جلوتر می‌آید. برد اگر می‌خواهد جام چهاردهم را لمس کند، باید در همین بازی‌های ابتدایی، نشانه‌های اقتدارش را نشان دهد؛ نه با نتایج‌های پر گل، بلکه با کنترل بازی، تنوع تاکتیکی و مدیریت لحظه‌ها.

جام ملت‌های فوتسال آسیا ۲۰۲۶، آزمونی است برای اثبات تلاطم قهرمانی‌های گذشته، احترام می‌آورد اما تضمین نمی‌کند. این تیم اگر بتواند تعادل میان تجربه و جوانی را حفظ کند، اگر شمسایی بتواند در لحظات حساس، تصمیم درست بگیرد، چهاردهمین جام دور از دسترس نیست اما اگر حتی اندکی از تمرکز کم شود، آسیا منتظر لغزش سلطان است. برنامه بازی‌های مرحله گروهی تیم ملی فوتبال ایران ایران – مالزی؛ چهارشنبه ۸ بهمن؛ ساعت ۱۲:۳۰ ایران – عربستان؛ جمعه ۱۰ بهمن؛ ساعت ۹:۳۰ ایران – افغانستان؛ یکشنبه ۱۲ بهمن؛ ساعت ۱۵:۳۰

[آ.اس]

آربلو اعملکرد خوبی خواهد داشت



[مارکا]

خاص ترین تجدید دیدار



[موندودپورتیوو]

قدرت لامین



[اکیپ]

نواک جوکوویچ؛ محبوب و شرم‌آور

